

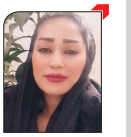
روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

یکشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۲ - ۸ شعبان ۱۴۴۵ - ۱۸ فوریه ۲۰۲۴ - شماره ۲۳۶۵ - سال هشتم
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - صریب کیفی ۶۱۴

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان
 سردبیر: جلال خوش چهره
 چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۷۵ - ۰۲۱
 توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
 تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
 خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۴۹۴۳۰

باشگاه امروز



فاطمه جهاب کاری

- (۱)
- چند کاروان تابستان گرمت می‌کند من آفتاب را به لنگر کشیده‌ام خاکسترها اگر بزیاید طوفان را بارانی می‌کنند این کوچه پر از کوچ‌هایست که پهلوی گرفته‌اند
- (۲)
- نگاه‌های هرز بی پلاک نقش‌های بی کینوتر
- (۳)
- درختان جنگ زده و طنین جنین مرداب‌ها تا نیلوفران عاشق تردید را نشانه می‌روند اینجا
- وزغ‌های سر به هوا را شکار نمی‌کنند بغض‌های شکسته را بند می‌زنند

طنزکلمات

من قندعلی بودم

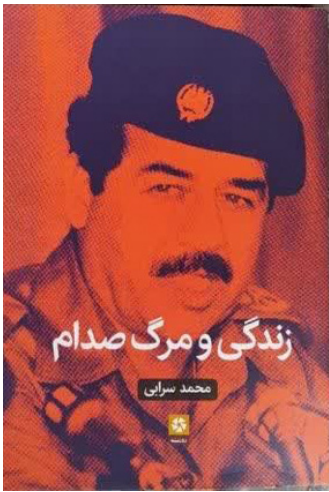
بفرما اینجا بشین، آغا قندعلی آونجا بشین و...

هر وقت هم این قندعلی لعنتی را صدا می‌زدند همه برمی‌گشتند به من نگاه می‌کردند و خنده و پوزخند فراوان بود که نثار من و نامم می‌شد. اون کارگر مسئول پارک کردن ماشین که الکی از دور بانگ و فریاد می‌زد قندعلی قندعلی بیا ماشین را جایجا کن، قندعلی اونجا پارک کن ... و مسئو ل شون هم تو سالن تکرار می‌کرد جناب قندعلی صداتون می‌کنند. دعا می‌کردم خدایا زودتر کارم تمام بشه و از شر این اسم لعنتی قندعلی که ناخواسته بر خودم گذاشته بودم خلاص بشم. شانس بد ما تا پول اسقاط را واریز کنند دو سه ماهی طول کشید و از دفترشون بیشتر الکی زنگ می‌زدند و قندعلی را تو گوش من تکرار می‌کردند. چند بار صبح که هنوز تو خماری خواب الودگی بودم اشتباه می‌کردم می‌گفتم ایزدپناه هستم... یک دفعه پیادم می‌اومد که نه بابسا قراره، فعلا من قندعلی باش. می‌گفتم بله خودمم قندعلی شعبانی هستم. موقع پول گرفتن هم رمز کارت قندعلی را اشتباه زدم و کارت باطل شد. کلی تمرین اسم کردم و رفتم نزد مسئولین بانک اونجا هم چندتا قندعلی قندعلی بامون کردند. شاید همین نام زیبای قندعلی هم باعث شد که سخت بگیرند و کارت بانکی جدید به من دادند و از شر نام قندعلی کذایی راحت شدم. بعدش امدیم برای چندتا از دوستان قضایه در نقش قندعلی بودم را تعریف کردم و این دوستان هم خوششون اومده بود و تا مدت‌ها مرا جناب قندعلی صدا می‌کردند.

کتاب

روایتی از روستای محل تولد صدام تا دستگیری و اعدام دیکتاتور نظامی عراق

«زندگی و مرگ صدام» به کتابفروشی‌ها آمد



صدام است. مؤلف کتاب پیش‌رو، زندگی صدام را در بستر تحولات نیمه دوم قرن بیستم عراق و مجموعه کشورهای عربی بررسی کرده و در بخش‌های مختلف به ساختار اجتماعی و سیاسی این کشور پرداخته است. خشنوت بی‌پایان، عقب‌ماندگی اقتصادی با وجود توسعه‌های مقطعی، قومیت‌گرایی و تفرقه میان قبیای جنگ‌های دائمی و البته سواستفاده قدرت‌های اروپایی و آمریکا از شرایط خاورمیانه در صفحات مختلف این اثر تکرار شده است. جزئیات خرید و ساخت سلاح‌های ممنوع شیمیایی و تجهیز ارتش عراق با کمک صنایع و حاکمان اروپایی نیز بخش دیگر این کتاب را تشکیل می‌دهد.

داستانک

باستان



فیض شریفی

نویسنده

داستان ما برمی‌گردد به ده دوازده سال پیش و پیشتر و پیشترین حتا، بگوی سسال هفتاد و هشتاد. او مرا بی مضایقه دوست می‌داشت.

او یکی دو دهه جوان‌تر بود و من خنده‌ام میگرفت، هر وقت می‌گفت: «امکان خودکشی من بسیار است اگر تو به من محل نگذاری.» فکر می‌کردم شوخی می‌کند، کرد؛ خواهرش، مریم، به من پیام داد که: «بر سسنگ هم که باشی پیدایت می‌کنم، اگر به بیمارستان فلان بهمان نیایی، کار از کار می‌گذرد ...»

دچار وحشت مضاعف شدم، درس و بحث دانشگاه را ول کردم و استارت زدم و آسانسور شلوغ را گذاشتم و چهار طبقه با سرعت از پله‌ها پریدم و به اطلاعات چی چی سیو رسیدم و هراسان گفتم: «من دکتر فرجام هستم، این مریض من در کدام اتاق است؟» پرستار، کاروبار خود را کنار گذاشت و با من به سرعت یاد به اتاق ۵۶ آمد.

اتاق شلوغ بود، پدر و مادر، خواهر، دو برادر و چند نفر دیگر هم آنجا بودند. پرستار گفت: «چند دقیقه بروید بیرون، دکتر فرجام باید، بیمار تان، مرضیه را ببیند.» آن‌ها مثل باد و برق با پرستار بیرون رفتند.

من مرضیه را توی بغل گرفتم و بوسیدم، دستمال کاغذی را خیس کردم و بر پیشانی اش گذاشتم و برای او غزلی خواندم: «گریه کردی، گریه کردی، گریه بر خاکستر پروانه کردی!خوب کردی خوب، فرزانه‌ای را کشتی و دیوانه کردی ...»

مرضیه بلند شد نشست و دست‌های مرا گرفت و مثل بارون بهار گریه کرد، توی

باستان

دستش پانصد هزار تومانی پول گذاشتم و گفتم: «دکترای ادبیات نمایشی را ثبت‌نام کن، فعلا همین قدر دارم، فردا برایت بیشتر می‌آورم.»

چیزی نگفت، پول را توی کیفش گذاشت، کمیوت آناناس را برایش باز کردم، یکی را توی دهان او گذاشتم و یکی او توی دهان من گذاشت و خندید، قریون صدقه ام می‌رفت: «قربون اون موهای بلند جو گندمی ات بروم، قربون اون لب‌های بهنت بروم، قربون اون چشم‌های فراری ات بروم، قربون اون سینه پهن و ...»

– فعلا بخواب و استراحت کن، فردا – نه نه، همین الان مرا ببر، فقط مواظب باش بابام و مامانم نفهمند، همین امروز با دکتر صحبت کن تا مرا مرخص کند. «تشریف بیاورید داخل، حالش خوب است.»

مادرش می‌گفت: «معجزه شده، مرضیه من به زندگی برگشته.» پدرش: «بگذارید دست‌های شما را ببوسم ...» به پرستار گفتم: «با دکتر رضایی تماس گرفتام، گفته با مسئولیت خودتان مرخصید.» مریم دنبال من می‌دوید توی راهرو: «خیلی پدر سوخته ای، دمی مسیحایی داری، هیچ دکتری جز تو نمی‌توانست او را به زندگی برگرداند، من پنجشنبه توی منزلم به شکرانه، مهمانی ای دارم، تو باید بیایی، ولی مقداری پول میخوام، دوست هزار تومان کافی است.»

–نگران نباش، فردا ساعت یازده بیا دانشگاه، پانصد هزار میدهم، دوپست به مرضیه بده، صد برای خودت و دوپست هم برای سور و سات ات بردار.» هیچ

کوچکترین اهرام سه‌گانه بزرگ چیزی را لغو کرده است. مصطفی وزیر، دبیرکل شورای عالی آثار باستانی، ماه گذشته این طرح را اعلام و آن را «پروژه قرن» توصیف کرده بود. خبرهایی مبنی بر اینکه این بنای باستانی می‌تواند به سرعت تغییر کند، اعتراض بین‌المللی را برانگیخت و مقامات باستانی مصر را بر آن داشت تا این پروژه را بررسی کنند. اهرام مصر تنها عجایب هفتگانه جهان باستان هستند که هنوز باقی مانده‌اند. «مَنقَرَع» به تنهایی در میان اهرام به گونه‌ای طراحی شده بود، که به جای سنگ آهک از گرانیت پوشانده شود. تنها ۱۶ تا ۱۸لایه گرانیت قبل از توقف ساخت‌وساز نصب شد که ظاهراً به دلیل مرگ مَنقَرَع در حدود ۲۵۰۳پیش از میلاد متوقف شده بود.

در طول قرن‌ها، زدی، فرسایش و فروریختن باعث ناپدید شدن بسیاری از لایه‌های این هرم شد و در دوران مدرن تنها هفت لایه باقی ماند؛ اگرچه تعداد زیادی بلوک گرانیتی افتاده در اطراف پایه هرم پراکنده شده بودند. پروژه جایگزینی گرانیت‌ها قرار بود پس از یک سسال اسکن و مستندسازی

کتابفروشی‌ها

توقف طرح جنجالی درباره اهرام مصر



مقامات وزارت آثار باستانی مصر تصمیم خود را برای مرمت هرم باستانی «مَنقَرَع» پس از بررسی و اعتراض بین‌المللی، کنار گذاشتند.

این پروژه، بازسازی پوشش بیرونی گرانیتی در چهار طرف هرم «مَنقَرَع» را در مشارکتی بین دولت مصر و باستان‌شناسان ژاپنی دنبال می‌کرد که بر اساس آن، نمای این هرم با بلوک‌های اصلی پراکنده در اطراف پایه هرم، مرمت می‌شد، که با اعتراض گسترده بویژه از سوی باستان‌شناسان مصر مواجه شد.

اکنون کمیته‌ای که توسط وزیر گردشگری مصر تشکیل شده است، در بیانیه‌ای اعلام کرد این کشور طرح بحث‌برانگیز برای نصب دوباره پوشش گرانیتی باستانی روی هرم «مَنقَرَع»، کوچکترین اهرام سه‌گانه بزرگ چیزی را لغو کرده است.

مصطفی وزیر، دبیرکل شورای عالی آثار باستانی، ماه گذشته این طرح را اعلام و آن را «پروژه قرن» توصیف کرده بود. خبرهایی مبنی بر اینکه این بنای باستانی می‌تواند به سرعت تغییر کند، اعتراض بین‌المللی را برانگیخت و مقامات باستانی مصر را بر آن داشت تا این پروژه را بررسی کنند.

اهرام مصر تنها عجایب هفتگانه جهان باستان هستند که هنوز باقی مانده‌اند. «مَنقَرَع» به تنهایی در میان اهرام به گونه‌ای طراحی شده بود، که به جای سنگ آهک از گرانیت پوشانده شود.

تنها ۱۶ تا ۱۸لایه گرانیت قبل از توقف ساخت‌وساز نصب شد که ظاهراً به دلیل مرگ مَنقَرَع در حدود ۲۵۰۳پیش از میلاد متوقف شده بود.

در طول قرن‌ها، زدی، فرسایش و فروریختن باعث ناپدید شدن بسیاری از لایه‌های این هرم شد و در دوران مدرن تنها هفت لایه باقی ماند؛ اگرچه تعداد زیادی بلوک گرانیتی افتاده در اطراف پایه هرم پراکنده شده بودند. پروژه جایگزینی گرانیت‌ها قرار بود پس از یک سسال اسکن و مستندسازی

روزنامه‌ها

که می‌رود به شفاعت که دوست بازارد که عبیش خلوت بی او کدورتی دارد که را مجال سخن گفتن است به حضرت او مگر نسیم صبا کاین پیام بگزارد ستیزه بردن با دوستان همین مثلست که تشنه چشمه حیوان به گل ببینارد مرا که گفت دل از یار مهربان بردار به اعتماد صبوری که شوق نگذارد

مجازها

● تو سزاوار رابطه‌ای هستی که بهت اجازه بده در طول شب با آرامش بخوابی.علاقه و محبت کافی دریافت کنی، ایرادات و تفاوت‌ات درک بشه و بهش احترام گذاشته بشه، از اضطرابت کم کنه و به رشد و پیشرفتت کمک کنه، اگه غیر ازینبه، لطفاً رهاش کن، چون داری وقتتو هدر میدی (mohamad)

● دیشب پدر مریض بعد از این که فوت بچشو ثبت کردیم از تک تکمون واسه زحماتمون تشکر کرد. هرچی به روح بزرگ و شخصیت بالاش توی اون غم شدید فکر میکنم بیشتر متعجب میشم. واقعا انسان بزرگی بود اون همه جمعیت رو مدیریت کرد خشم مردمو مدیریت کرد و در آخرم از ما تشکر کرد. (چنگولی (ازدها) یک خانم لوبیا)

● بدخترخاله‌ام زدید بیرون. گفت چرا این همه پسر که بیرون همشون چچان؟ گفتیم چون به کم دیر زدیدم بیرون. گفت یعنی چند ساعت؟ گفتم نه یعنی چند دهه! همسن‌های من و تو از صبح سر کار بودن، الانم بغل زن و بچه خوابن! (Nahidjan)

● متاسفانه آدم‌هایی که مهربونن، تو بحث‌ها کوتاه میان و تو رابطه همیشه نقشه حمایت‌کننده دارن، گاهی اوقات یکهو دچار انقلاب درونی میشن و تبدیل به هیولاهای سرد و بی‌احساسی میشن که کوچک‌ترین گذشت و شفقته ندارن و من از این هیولاهای خیلی میترسم. خیلی. (بشه خسته)

دقیق‌نام

درمان سرطان کبد با میکروروبات‌هایی که توسط میدان مغناطیسی هدایت می‌شوند

محققان کانادایی به سرپرستی «ژیل سولز»روپیکرد جدیدی را برای درمان تومورهای کبدبا استفاده از میکروروبات‌های هدایت‌شونده با آهنرا در یک دستگاه ام‌آرای توسعه دادند.ایده تزریق ربات‌های میکروسکوپی به جریان خون برای بهبود بدن انسان جدید با متعلق به رمان‌های علمی – تخیلی نیست. با هدایت یک میدان مغناطیسی خارجی، ربات‌های زیست‌سازگار میناتورگی که از نانوذرات اکسیدآهن ساخته‌شده‌اند،می‌توانند از نظر تئوری خدمات پزشکی را به شیوه‌ای بسیار هفدمند ارائه دهند. تابه‌حال، یک مانع فنی وجود داشته است.نیروی گرانش این میکروروبات‌ها از نیروی مغناطیسی فراتر رفته است، که هدایت آنها را در زمانی که تومور بالاتر از محل تزریق قرار دارد محدود می‌کند.رحالی که میدان مغناطیسی ام‌آرای زیاد است، شب مغناطیسی مورداستفاده برای هدایت و تولید تصاویر آن ضعیف‌تر است.ژیل سولز، یکی از محققین این دانشگاه گفت:«ما برای حل این مشکل، الگوریتمی را توسعه دادیم تا موقعیتی را که بدن بیمار باید در آن قرار بگیرد تعیین کند.این بهترین موقعیتی است که در آن می‌توان از ام‌آرای بالینی ترکیبی با گرانش و نیروی مغناطیسی استفاده کرد.»او افزود:«این اثر ترکیبی باعث می‌شود میکروروبات‌ها به شاخه‌های شریانی که تومور را تغذیه می‌کنند،آسان‌تر حرکت کنند.با تغییر جهت میدان مغناطیسی،می‌توانیم آن‌ها را به‌طور دقیق به مکان‌هایی هدایت کنیم که باید تحت درمان قرار بگیرند و بنابراین سلول‌های سالم را حفظ می‌کنیم.» شایع‌ترین نوع این سرطان‌ها، کارسینوم سلول‌های کبدی است.است.کارسینوم مسئول مرگ سالانه ۷۰۰۰۰۰۰ نفر در سراسر جهان است و درحال حاضر اغلب با کم‌آمیولیزاسیون ترانس شریانی درمان می‌شود.این درمان تهاجمی که نیاز به پرسنل بسیار ماهر دارد،شامل تزریق مستقیم شیمی‌درمانی در شریان تغذیه‌کننده تومور کبدی و مسدودکردن خون‌رسانی به تومور با استفاده از میکروکنترهایی است که توسط اشعه ایکس هدایت می‌شوند. سولز گفت:«روپیکرد هدایت رزونانس مغناطیسی ما می‌تواند با استفاده از یک کنتر قابل کاشت مانند آنچه در شیمی‌درمانی استفاده می‌شود، انجام شود.مزیت دیگر این روش آن است که تومورها در ام‌آرای بهتر از اشعه ایکس قابل مشاهده هستند.»ملطف توسعه یک میکروروبات آنژکتوری سازگار با ام‌آرای، دانشمندان توانستند «رشته‌های ذرات» را که مجموعه‌ای از میکروروبات‌های قابل مغناطیسی هستند، جمع‌آوری کنند.از آنجایی که این‌ها نیروی مغناطیسی بیشتری دارند، هدایت و شناسایی آنها روی تصاویر ارائه‌شده توسط دستگاه ام‌آرای آسان‌تر است.به این ترتیب،دانشمندان می‌توانند اطمینان حاصل کنند که رشته‌ها در مسیر درست حرکت می‌کنند و دوز درمان نیز کافی است.با گذشت زمان، هر میکروروبات قسمتی از درمان را پوشش خواهد داد.بنابراین ضروری است که رادیولوژیست‌ها بدانند تعداد آنها چقدر است. سولز گفت:«ما آزمایش‌هایی را روی دوازده خوک انجام دادیم تا بتوانیم تا حد امکان شرایط تشریحی بیمار را تکرار کنیم. یک نتیجه قطعی بود.میکروروبات‌ها ترجیحاً شاخه‌های شریان کبدی را که توسط الگوریتم مورد هدف قرار گرفته بودند دنبال می‌کردند و به مقصد می‌رسیدند.»تیم او مطمئن شد که محل تومور در قسمت‌های مختلف کبد تأثیری بر اثر بخشی چنین رویکردی ندارد. وی افزود:«با استفاده از آناتومی تشریحی کبد انسان، ما توانستیم به‌صورت آزمایشی ریزربات‌ها را روی ۱۹ بیمار تحت درمان با کم‌آمیولیزاسیون ترانس شریانی شبیه‌سازی کنیم. آنها در مجموع ۳۰ تومور در نقاط مختلف کبد داشتند.در بیش از ۹۵درصد موارد، محل تومور با الگوریتم هدایت برای رسیدن به تومور هدف سازگار بود.»با وجود این پیشرفت علمی، کاربرد بالینی این فناوری هنوز فاصله زیادی با ورود به روند درمانی دارد.

آرس - کوبا